

دنیاخمامی: ریحانه پارسا هر چند اغلب روزهای پر حاشیه‌ای را میگذراند اما باید فارغ از حاشیه با او درباره متن کارها و انتخاب ها و اقدامات در عرصه تصویر صحبت کرد. بازیگر تازه کار و جوانی که به قول خودش اثر به اثر بخته تر میشود و میل به کشف بیشتری دارد. خوب بد جلف ۲ بهانه‌ای شد برای زیر و رو کردن زمینی که برای او تا اینجا سابقه کاری ساخته و مادر باره اش با او حرف زدیم.



جسارت انتخاب، چیزی است که به وضوح در شما وجود دارد. بعد از سریال «پدر» با توجه به توانایی‌هایی که بسوز دادید می‌توانستید انتخاب نقش جدی داشته باشید اما در قالب یک فیلم طنز مثل «خوب، بد، جلف ۲» حضور پیدا کردید. چه چیزی باعث شد که از یک نقش جدی به سمت نقش کمدی بروید؟

فضایی که من قبل از این کار تجربه کرده بودم فضایی نبود که بخواهد حتی به سریال هم ختم شود، یعنی بستری که من در آن آموزش بازیگری می‌دیدم طوری نبود که انتظار داشته باشم پیشنهاد حضور در سریال تلویزیونی مناسبی و مذهبی برای من پیش آید. فضای ذهنی هم نسلان و اطرافیانم هم در زمان انتخاب رشته مدرسه به شکل دیگری بود. بسیاری رویا پرداز بودیم و خودمان را بازیگر در جهسه هالیوود می‌دیدیم. اولی زمان می‌گذرد و آدم متوجه می‌شود چیزی که در رویاهایش بوده با چیزی که اتفاق می‌افتد یا می‌تواند اتفاق بیفتد فاصله زیادی دارد، به نظر من در آن نقطه واقع بینانی خیلی می‌تواند کمک کند و من خوشحالم که این مساله به من کمک کرد و دست از تحصیلات آکادمیک کشیدم. این اولین قدم من برای این ماجرا بود که تمام تبعاتش را به جان خریدم و به دانشگاه رفتم. بعد از آن بالاخره باید یک کاری انجام می‌دادم، حال چه بازیگری بود یا نبود، به هر حال زندگی باید جریان پیدا میکرد برای همین سعی کردم مسیری را که فکر میکردم درست است ادامه بدهم. در میان کسانی که مخصوصاً در رشته‌های هنری مشغول به تحصیل هستند این راز پدایم بینیم که سمت مرکز شهر در کافه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها کار می‌کنند و حس کردم این انتخاب بهتر از این است که بخواهم به دانشگاه بروم. در کمترین حالتش حداقل خودم را گول نمی‌زنم و هر روز شش صبح به دانشگاه نمی‌روم که یک روزی بازیگر بشوم و یا یک سیکل بی‌انتهای تکراری را پیش ببرم تا اینکه یک روز بخواهم دیده شوم. من دو، سه ماه بعد از اینکه تئاتر خوانده بودم و پیش دانشگاهی را هم تمام کرده بودم، در کافه‌ای مشغول به کار شدم و سریال «پدر» خیلی اتفاقی سر راهم قرار گرفت. خیلی قبل‌تر از این‌ها و در سال ۹۴ که ۱۶ ساله بودم برای یک فیلم سینمایی انتخاب شدم و آن کار اصلاً ساخته نشد اما فضایی که آن چند ماه تمرین به ذهن من داده بود این بود که مسیر جذاب برای تویی که دوست داری بازیگر بشوی این است که دو، سه سال یک بار یک کار سینمایی آن هم از نوع جدی بازی کنی و بعد صبر کنی و آرام و بی صدا یک روندی را پیش ببری و شاید در این بین چند کار هم بازی کنی. این چیزی بود که من خیلی قبل‌تر برای خودم می‌دیدم. سریال به خودی خود همیشه و یا حداقل در پنجاه درصد مواقع جواب داده و به نظر من ستاره‌هایی را ساخته که همین روزها هم شاهد آن‌ها هستیم؛ در واقع نمی‌شود منکر قدرت رسانه با آن حجم



تا جایی که اذیتم نکند و تا جایی که به خودم نگویم دیگر کار کمدی بس است، جلوی خودم را نمی‌گیرم. وقتی بعد از یک اتفاق، یک ژانری از سینما چندین بار به سمت من آید شاید نتوان گفت که خیلی عالی بوده‌ام ولی می‌شود گفت که احتمالاً دیده‌ها یا شنیده‌ها حاکی از این است که من در کمدی به اندازه سن و سال و تجربه خودم، توانسته‌ام یک قدم کوچک بردارم و این را نمی‌شود نادیده گرفت

درباره‌رهایی از چارچوب گفتگوی فارغ از حاشیه
درباره متن بار یحانه پارسا

سر بلندم چون

چاپلوسی کسی را نمی‌کنم

شباهت کمدی به تئاتر بیشتر است

